

مقاله پژوهشی

بررسی بنیادهای اولیه نثر معاصر فارسی بر پایه سبک‌شناسی
(مورد مطالعه: تمثیلات فتحعلی آخوندزاده)

ربابه شیخ الاسلامی ورگهان، نرگس اصغری*، رضا آقایی زاهد
گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

فروردین ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۱، صفحات ۱۱۸-۱۰۳

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۱۵۳

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: آثار ماقبل مشروطه از بنیادهای نثر معاصر فارسی است که زمینه‌ساز تحولات سادگی زبان، قالبهای نثر متعدد و تغییرات مضمونی در دوره مشروطه شدند. متفکران ماقبل مشروطه با آشنایی با زندگی جامعه غربی، آثاری در قالب سفرنامه، نمایشنامه، رمان و ترجمه نوشتند و از چارچوب زبان و محتوای نثر کلاسیک عدول کردند. بدین وسیله بر تغییرات دوره مشروطه تأثیرگذار شدند. در این مقاله کتاب تمثیلات فتحعلی آخوندزاده بعنوان یکی از بنیادهای اولیه نثر معاصر با هدف تأثیرگذاری بر سبک ادبیات مشروطه، از منظر سبک‌شناسی بررسی شده است.

روش مطالعه: پژوهش با مطالعات کتابخانه‌ای با ابزار فیشبرداری انجام گرفته و بصورت توصیفی-تحلیلی نوشته شده است. جامعه آماری، کتاب تمثیلات آخوندزاده ترجمه قراجه داغی، نشر خوارزمی میباشد.

یافته‌ها: آخوندزاده از پیشروان سادگی نثر معاصر است که اولین نمایشنامه و رمان را قبل از مشروطه نوشت. وی در این اثر از چارچوبهای نثر کلاسیک عدول کرد. قالب نمایشنامه، رمان تاریخی، زبان بیگانه، اندیشه انتقادی-اجتماعی، ویژگیهای سبکی وی است که بر شعر و نثر دوره مشروطه تأثیرگذار شد.

نتیجه‌گیری: آخوندزاده با انتخاب قالب نمایشنامه و رمان، زمینه‌ساز نمایشنامه‌نویسی و رمان تاریخی در دوره مشروطه شد. در سطح زبانی، واژه‌های ترکی، روسی و عربی در اثر او بسامد دارد. با توجه به اینکه زبان ترکی آذری زبان مادری اوست، میتوان وی را زمینه‌ساز توجه به زبان بومی در دوره مشروطه دانست. در سطح نحوی، نگارش جملات طبق دستور زبان ترکی و حذفهای بدون قرینه دیده میشود که زبانش را به سستی کشانده است و در عین حال زمینه‌ساز گسستهای زبانی از نثر فصیح گذشته شده است. اما همچنان در سنت‌گرایی واژه‌های عربی بسامد سبکی یافته است. در سطح ادبی، تشبیه، کنایه، ضرب‌المثل فراوانی دارد. در سطح فکری، انتقادهای اجتماعی سیاسی، قانون، آزادی و زن محورهای فکری اثر اوست که در دوره مشروطه جزو مؤلفه‌های اصلی شعر و نثر گردید.

تاریخ دریافت: ۲۳ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۲۵ اسفند ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۱۱ فروردین ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

نثر معاصر، مشروطه، سبک‌شناسی، آخوندزاده، تمثیلات.

* نویسنده مسئول:

n-asghari@iauh.ac.ir

۴۴۲۲۹۶۳۲ (۹۸ ۴۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Studying the primary foundations of contemporary Persian prose based on stylistics: A case study (Tamsilat of Fathali Akhounzadeh)

R. Sheikholeslami-e-Vargehan, N. Asghari*, R. Aghayari-e-Zahed

Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۱۱ February ۲۰۲۱

Reviewed: ۱۵ March ۲۰۲۱

Revised: ۳۱ March ۲۰۲۱

Accepted: ۱۷ May ۲۰۲۱

KEYWORDS

contemporary prose, stylistics, Akhounzadeh, Tamsilat.

*Corresponding Author

✉ n-asghari@iauh-ar.ac.ir

☎ (+98 41) 4429732

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: In studying the foundations of contemporary Persian prose we should consider literary works before constitutional movement which emerged the revolutions leading to simplicity in language use, several different prose formats, and conceptual changes during the time of constitution. The scholars before constitution could learn about western lifestyles and composed works in the form of journey memories, plays, novels, and translation and avoided using classic prose contents and frameworks. Therefore, they affected the changes due to constitutional era. In this research, we have investigated about the book written by Fathali Akhounzadeh as one of the most principal foundations of the contemporary prose aiming at affecting the constitution era literary styles regarding stylistics.

METHODOLOGY: the present study has been carried out using library studies and a descriptive-analytic method. The statistic population includes the book of Tamsilat written by Akhounzadeh and translated by Gharajedaghi and published by Kharazmi publications.

FINDINGS: Akhounzadeh was one of the pioneers in simplicity of contemporary prose and wrote the first play and the first novel in this form before the constitution. He avoided using the classic prose framework in his works and used novel styles in the form of plays, historical novels, foreign languages, and social critical thoughts which affected the poetry and prose during constitution era.

CONCLUSION: Akhounzadeh proposed play writing and historical novels choosing the format of plays and novels during the constitution era. Regarding the language used by him, different Turkish, Russian, and Arabic words were frequently repeated in his works. Considering Turkish language which is his mother tongue, we can identify him as a fundamental figure in using his native language during constitutional era. Regarding syntax, he used sentences based on Turkish grammar and omission of appositives which led to the loose use of the language. Also he introduced language ruptures from the eloquent prose. He also repeatedly used Arabic words instead of traditional language usage. Regarding literature, he frequently used simile, irony, and proverbs. His thought foundations revolve around social and political criticism, laws, freedom, and women's freedom which were bases of poetry and prose during constitutional era.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.10.1103](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.10.1103)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۴	 .	 .

مقدمه

در جدایی نثر معاصر از نثر کلاسیک، انقلاب مشروطه نقش اصلی دارد که با تحولات سیاسی اجتماعی، نثر معاصر را در مقابل نثر کلاسیک قرار داد، اما قبل از انقلاب مشروطه، گسسته‌های نثر از کلاسیک آغاز شده بود. علاوه بر تغییرات سبکی در نویسندگان داخل، ارتباط نثرنویسان با خارج از کشور باعث رشد نثرهای سفرنامه‌ای، نمایشنامه-ای، داستانی، رمان و ترجمه متون شد که از نظر سبک‌شناسی بویژه در سطح زبانی و فکری، از نثر گذشته، فاصله گرفت، این تحولات برخلاف گذشته بسیار سریع و در مدت زمان کوتاهی انجام شد و با وقوع انقلاب، بیکبارگی ویژگیهای این آثار، الگوی شاعران و نویسندگان مشروطه گشت. در حوزه‌های مختلفی مانند: داستان، تحقیقات ادبی، علمی، تصحیح متون، مقاله‌نویسی، سفرنامه، زندگی‌نامه و غیره کتاب نوشته شد. چنانکه باید گفت: «هیچیک از ادوار ادبی ایران از حیث نثر همچون دوره معاصر پربر و برومند نبوده است» (انواع نثر فارسی، رستگار فسایی، ص ۲۶۶).

از آثار منثور قبل مشروطه که در دوره مشروطه مورد توجه قرار گرفت و یکی از بنیادهای نثرنویسی معاصر شد، نوشته‌های میرزافتحعلی آخوندزاده است. وی یکی از منتقدان سرسخت ادبیات کلاسیک بود و افکاری چون تغییر الفبای فارسی و رد آثار ارزشمند بزرگان ادب کلاسیک را داشت. در حوزه نثر معاصر، وی اولین فردی است که نمایشنامه و رمان نوشت. آثار او در همان زمان مورد استقبال قرار گرفت و تبدیل به الگو شد. بدین ترتیب بنیاد نمایشنامه‌ای و رمان دوره مشروطه، یک سرآغازش به آثار او میرسد. در این پژوهش، کتاب تمثیلات وی که شامل شش نمایشنامه و یک رمان است، با هدف بررسی بنیادهای تحول نثر فارسی در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد تحلیل قرار گرفته است. سؤال اصلی تحقیق این است، کتاب آخوندزاده کدام ویژگیهای سبکی را دارد که توانسته در دوره مشروطه، تأثیرگذار باشد. در جهت پاسخ به سؤال مطرح‌شده در عین بررسی سبکی، تکیه پژوهش بر تازگیها و نوآوری وی در نثر نویسی است. شیوه بررسی بصورت کتابخانه‌ای و نگارش مقاله، توصیفی - تحلیلی است.

سابقه پژوهش

کتابهای ارزنده‌ای درمورد تاریخ نثر معاصر نوشته شده است، مثل کتاب «مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران (نثر، داستان)» از حقوقی، که نویسنده بخشی را به نثر قبل مشروطه اختصاص داده و دلایل پیدایی نثر معاصر را بررسی کرده است. کتاب «ادبیات معاصر نثر؛ ادوار نثر فارسی از مشروطیت تا سقوط» از رحیمیان، «بنیادهای نثر معاصر فارسی» از قبادی، «کارنامه نثر معاصر» از عبداللهیان. و کتابهای متعددی که درمورد ادبیات معاصر و سبک‌شناسی نثر نوشته شده است و بیان آنها در اینجا به اطناب می‌گراید. همچنین مقالات متعددی از همان زمان مشروطه تا به کنون درمورد نثر معاصر نوشته شده است. میرزا فتحعلی آخوندزاده، نیز که چهره سرسخت منتقد این دوران است، در اغلب پژوهشها به آثار او توجه شده است. همچنین پژوهشهای مستقلی در شناخت عقیده، اندیشه، و رفتار او نوشته شده است از جمله کتاب «اندیشه‌های فتحعلی آخوندزاده» از فریدون آدمیت درمورد زندگی و اندیشه اوست و در کتاب «تاریخ تهاجم فرهنگی غرب» نیز در جلد ۳ بخشی به معرفی و بررسی اندیشه‌های او اختصاص داده شده است.

در حوزه مقاله نیز ابعاد شخصیتی و فکری او بررسی شده است. از جمله یزدانفر (۱۳۶۸) در مقاله «تحلیلی از شیوه نگارش آخوندزاده» موضوع و اندیشه‌های وی را بررسی کرده است، پاریاب (۱۳۸۶) در مقاله «نقد و تحلیل

نمایشنامه سرگذشت مرد خسیس» عناصر داستانی، شخصیتها و محتوای آن را بررسی کرده است. در هیچ تحقیقی بصورت منسجم و مجزا، ویژگیهای سبکی کتاب تمثیلات بررسی نشده است. پژوهش حاضر این اثر را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری از جنبه تأثیرگذاری آن بر سبک نثر دوره مشروطه بررسی میشود.

بحث و بررسی

تحولات نثر قبل از مشروطه

آنچه امروزه بعنوان نثر معاصر شناخته میشود، ریشه در تحولات ماقبل مشروطه دارد، که اولین زمینه‌های آن به آشنایی نویسندگان با ادبیات خارج از ایران است. از نظر تاریخی اولین آشنایی شاعران و نویسندگان ایرانی با خارج کشور را باید در دوره صفویه جستجو کرد که اغلب آنها به هند سفر کردند. اگرچه تأثیری از زبان و اندیشه غیرفارسی نداشتند، همین ارتباط خارج از کشور، باعث شد واژه‌های هندی در بسامد نامحسوس وارد سبک شود. تحولات آرام سبکی همچنان بعد از صفویه ادامه یافت، در دوره بازگشت، ادبا صلاح را در این دیدند که به سبک خراسانی و عراقی برگردند و یک مرتبه انواع نثرهای تقلیدی از نثر فنی، مصنوع، موزون، و مسجع نوشته شد. اما در همین دوران نیز افرادی همچون فاضل خان گروسی، عبدالرزاق بیگ دنبلی، میرزا صادق وقایع‌نگار و عبداللطیف طسوجی در عین تقلید از گذشته، به سادگی زبانی روی آوردند که نشانه‌های نثر امروزی در آثار آنها یافت میشود (مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران، حقوقی، ص ۱۱). تحول در دوره قاجار سریعتر بود، در کنار توجه به نثر قبل، سادگی زبان و نزدیکی آن به گفتار مردم، بنیاد نثرنویسی شد. نقش میرزا ابوالقاسم قائم مقام در ترویج نثر مسجع فارسی و نزدیک کردن زبان نوشتار به زبان گفتار در این دوره پررنگ است (همانجا). وی کتاب «منشآت» را در عین سادگی با تقلید از گلستان سعدی نوشت. شمیسا وی را احیاکننده نثر معاصر معرفی کرده و به گفته او اگر نثر قائم مقام نبود، نثر در دوره مشروطیت تحول پیدا نمیکرد (سبک‌شناسی نثر، شمیسا، ص ۲۳۲). علاوه بر قائم مقام، ناصرالدین شاه، محمدحسن خان اعتمادالدوله، و یغمای جندقی به زبان ساده روی آوردند، اما همچنان بنیه نثرنویسی آنها از منظر سبکی، پیروی از نثر کلاسیک بود، تا اینکه چندین نفر به خارج از کشور رفت‌وآمد کردند و با فرهنگ و زندگی و ادبیات آنها آشنا شدند، سفرنامه و ترجمه و نمایشنامه نوشتند که همینها زمینه نثر معاصر گشتند. نویسندگان دوره قاجار مخصوصاً در اواسط و اواخر دوره قاجار، پایه‌گذار نثر ساده فارسی هستند که بعدها با اندک اصلاحاتی به نثر امروز فارسی منجر شد (همان: ص ۲۳۷). از جمله اروپادیدگان، فتحعلی آخوندزاده، طالبوف، و زین‌العابدین مراغه‌ای هستند که با نوشتن مقاله، نمایشنامه و سفرنامه، راه را برای سادگی زبان باز کردند و نخستین نشانه‌های رنسانس یا نوزایی در ادب فارسی در آثار آنها مشاهده میشود (جریانهای شعر معاصر فارسی، حسین‌پور جافی: ص ۱۸).

شمیسا گفته است: «دربارۀ این سه نفر اخیر که بیشترین نقش را در تحول نثر فارسی بسوی سادگی و امروزی شدن داشتند، باید توجه داشت که هیچکدام به اصطلاح فاضل نبودند و تحصیلات رسمی در زبان فارسی و عربی نداشتند. زبان مادری آنها ترکی بود. در جوانی از ایران خارج شده بودند. روسی میدانستند و شاید مجموع این شرایط باعث شد که به ساده‌نویسی روی آورند و خواسته و ناخواسته خدمتی بزرگ به نثر فارسی انجام دهند. میتوان پنداشت که آنان همانطور که حرف میزدند، مینوشتند و این به نفع زبان فارسی تمام شد؛ چنانکه احتمالاً در دوره آغازین نثر فارسی نیز چنین بوده است» (سبک‌شناسی نثر، شمیسا: ص ۲۳۵).

معرفی آخوندزاده و کتاب تمثیلات

میرزا فتحعلی آخوندزاده در سال ۱۲۲۷ ق (۱۱۹۱ ش) در ولایت شکی شهر «نخو» که در آن زمان به موجب عهدنامه گلستان به روسیه واگذار شده بود، به دنیا آمد. در گنجینه آموزش دید. در تفلیس در دستگاه دولتی روسیه مشغول به خدمت شد و تا پایان عمر در این شغل بود و همانجا در سال ۱۲۹۵ ق (۱۲۵۶ ش) درگذشت. وی یکی از نویسندگان منتقد جامعه ایران ماقبل مشروطه است که نظراتش در میان مشروطه‌خواهان مورد توجه قرار گرفت. در ادبیات معاصر او را پیشرو نمایشنامه و داستان‌نویسی میدانند (اندیشه‌های آخوندزاده، آدمیت: ص ۳۲). وی فردی است که «نمایشنامه و داستان‌نویسی به شیوه غربیان را برای اولین بار در مشرق زمین باب کرده است» (تمثیلات، آخوندزاده: ص ۳). این تحول آخوندزاده حاصل آشنایی وی با ادبیات روسی و دیگر کشورها بود. نخستین بار وی با دیدن نمایشهایی چون «بورژوازی اصل‌زاده» اثر مولیر و «آفت عقل» نوشته گریبایدوف با هنر نمایش و آثار و نمایشنامه‌های گوگول، استرافسکی، شکسپیر و مولیر آشنا شد و با الهام از آنها نمایشنامه نوشت (از صبا تا نیما، آراین پور، ج ۱: ص ۳۴۵). زبان اثرش ترکی آذری است و در فاصله سالهای ۱۲۶۶ تا ۱۲۷۲ ق، نوشته شده است. بلافاصله میرزا جعفر قراچه‌داغی این نمایشنامه‌ها و داستان را با عنوان «تمثیلات» با راهنمایی خود آخوندزاده به فارسی ترجمه کرد و از اقبال عمومی برخوردار شد. تا قبل از این، نمایشنامه بصورت تعزیه در ایران رواج داشت که از دوره صفویه رشد کرده بود. تعزیه بصورت شفاهی و در میان مردم رایج بود و ادبیات ویژه نداشت، اما آخوندزاده با نگاه مدرن، نمایشنامه نوشت و همین باعث استقبال شد. بعد از ترجمه فارسی، نمایشنامه‌های او و آثاری که به تأثر از او نوشته میشد تا سالها بعد از مرگش در ایران دوران قاجار اجرا میشد (تأثر پارسی نمایش ایرانی، تالاسو: ص ۲۱). نمایشنامه‌ها با عناوین «وزیرخان لنکران»، «خرس قولدور باسان»، «مرد خسیس»، «وکلاهی مرافعه»، «موسی ژوردان»، و «ملا ابراهیم خلیل کیمیاگر» است. عنوان داستان «حکایت یوسف شاه» است که به «ستارگان فریب‌خورده» نیز مشهور است. عنوان کامل آن «یوسف شاه سراج و فریفتن اهل قزوین ستارگان آسمانی را» است. آخوندزاده آن را از حکایتی در کتاب «تاریخ عالم‌آرای عباسی» گرفته است، اما محتوای آنها را تغییر داده و موضوعات زمانه‌اش را گنجانده است. بدین شیوه رمانی است که زاینده خیال آخوندزاده و در زمانه خود، نوآوری محسوب میشود و بعنوان نخستین رمان قلمداد شده است.

تحلیل سبک‌شناسی کتاب

سطح زبانی

زبان مادری آخوندزاده، آذری بود. کتاب تمثیلات ترجمه فارسی اثر اوست. در واقع وی اولین نمایشنامه‌نویس فارسی‌زبان نیست اما بلحاظ سبک‌شناسی، تازگی در نثر ایجاد کرد که آن را از محدودیت‌های زبان معیار رهایی میداد و زبان بومی را وارد ادبیات کرد. چنانکه در دوره مشروطه مبینیم، نثرنویسان و شاعران، آثارشان را برای عرضه به مردم جامعه مینویسند و اغلب آنها نیز زبان بومی را استفاده میکنند. تا قبل از آن بومی‌نویسی، شاخصه سبکی نداشت.

بعد از نگارش، قراچه‌داغی به راهنمای خود آخوندزاده آن را به فارسی ترجمه کرد. بنابراین ترجمه هم زیر نظر خود وی بود و بررسی زبانی اثر متوجه خود آخوندزاده میشود. در کلیت، زبان اثر، ساده است و مخاطب عمومی با سهولت با آن ارتباط میگیرد. مصحح کتاب در ترجمه قراچه‌داغی نوشته است: «در ترجمه تمثیلات هشیارانه کوشیده است از شیوه متکلف نثر رایج در آن زمان دوری کند و زبان گفتار را بکار گیرد. این کار در زمانی که زبان

مکتوب از زبان گفتگو فاصله بسیار داشت، کار آسانی نبود» (تمثیلات، آخوندزاده: ص ۴). شاخصه‌های سبکی در موارد زیر است:

واژه‌های ترکی آذری، (بومی‌گزینی در زبان): واژه‌ها، اصطلاحات ترکی، لحن و فضا سازی منطقه آذربایجان در اثر نمونه‌های متعدد دارد. شخصیتها، فضا و جغرافیای نمایش‌نامه‌ها از مردمان آذربایجان است و اتفاقات در قراباغ و اطراف رود ارس میگذرد. بدین شیوه «زبان بومی» ایجاد کرده است که بعد از مشروطه، در شعر و نثر شاخصه سبکی یافت. شخصیتها اغلب پسوند «بیک» دارند که واژه ترکی به معنی «بزرگ» است، مثل صمدبیک، حیدربیک، عزیزبیک، عسکربیک و... یا اسامی صونا، ولی، اورج، بایرام از نامهای پرکاربرد ترکی برای مردان و زنان در آن دوره هستند. موارد زیر برای نمونه انتخاب شده است:

- «دیگر با اینها یک قشون را آدم جواب میدهد» (همان: ص ۱۱۵)، قشون: لشکر، سپاه

- «اوغور بخیر باشد دست پر برگردید» (همان: ص ۱۱۵): اوغور: شگون، فال نیک

- «میرودم خم کرده بوسقی کنان» (همان: ص ۱۱۸) بوسقی کنان: کمین کردن

- «کریم: احوالت را بگویم؟ بایرام: هیبه» (همان: ص ۱۴۷) هیبه: بله

- «تدارک طی حاضر شده» (همان: ص ۱۴۹) طی: عروسی

- از عثمانلود آنچه کرده بودند» (همان: ص ۱۶۲) الجه: الجچه یا الجی، مال و جنس و بندی که در تاخت ملک بیگانه گیرند (دهخدا، ذیل واژه)

- «یساولها، این سپره را پشت سر من بیاورید (تمثیلات، آخوندزاده: ص ۱۳۲)، «مشهدی قربان پولی به من قرض داده بود، یساول سر من گذارد تا گرفت» (همان: ص ۱۵۲): یساول، یساور. سواری که ملازم امرا و رجال بزرگ باشد، مأمور تشریفات (دهخدا، ذیل واژه).

- «باید من الآن شما را دوستاق کنم بیرم قلعه» (تمثیلات، آخوندزاده: ص ۲۴۰): دوستاق: زندانی، زندانبان

- «در عراده هم یک خرس ینگی دنیا و یک میمون برازیل و دوتا گورکن بزرگ و جانوران دیگر بوده است (همان: ص ۱۳۷) ینگی، تازه، ینگی دنیا، منظور امریکاست (دهخدا، ذیل واژه).

- «پس از آنکه این نمسه‌ای را تو راضی کردی» (تمثیلات، آخوندزاده: ص ۱۵۵) نمسه به ترکی عثمانی: اتریش (دهخدا، ذیل واژه).

واژه‌های عربی: کاربرد لغات و اصطلاحات عربی، در کنار واژه‌های ترکی فراوانی دارد که نشانی از پیروی نویسنده از سبک نثر دوره بازگشت است. هنوز در این دوره، و دوره مشروطه، گسست از زبان عربی صورت نگرفته است. آخوندزاده نیز از این واژه‌ها استفاده کرده است. شاخصه‌های سبکی این واژه‌ها در موارد زیر است:

اصطلاحات عربی: «السن بالسن و العین بالعین و الجروح قصاص» (تمثیلات، آخوندزاده: ص ۶۵). «به شرطی که از همه چیز بالمناصفه برای قسمت باشد» (همان: ص ۱۰۹). «نماز، میدانی یک چیزی را بالمره فراموش کردیم» (همان: ص ۱۱۳)، ای جماعت الحال برای شما عبرت باشد» (همان: ص ۱۵۵) «فجنه غصه مرگ شد» (همان: ص ۴۲۶).

ترکیب‌های وصفی و اضافی با الگوی نحو عربی مانند: آوردن «ه» برای صفت که بسیار دیده میشود که در داستان یوسف شاه آمده است، مانند موارد زیر:

وزارت جلیلیه، خزانه عامره (همان: ۴۱۴)، طایفه عثمانیه، قشون فرقه ناجیه، گروه ضاله، (همان: ۴۱۵)، عساکر منصوره (همان: ۴۱۶)، قواعد محسنه (همان: ۴۱۶)، خزانه عامره (همان: ۴۱۷)، سلسله جلیلیه، دولت قاهره (همان: ۴۱۷).

(۴۱۷)، احادیث صریحه (همان: ۴۱۸)، اهل ظلمه (همان: ۴۲۴)، علوم اسلامی (همان: ۴۲۶)، قضیه غیرمترقبه (همان: ۴۴۱)، مقدار معتدله، مکانهای لازمه (همان: ۴۲۳).

واژه‌های عربی رایج در زبان فارسی: برخی واژه‌های عربی بدلیل استفاده فراوان در ادب فارسی، جزو واژگان رایج گشته‌اند. آخوندزاده نیز از این واژه‌ها بسیار استفاده کرده است. موارد زیر برای نمونه آمده است: «همه میگویند که جبون و ترسو هستی» (همان: ۱۰۵)، «این چه تاجر سفیهی بوده است که میمون را به عراده گذاشته میگرداند» (همان: ۱۲۷)، عراده: از ابزارهای جنگ شبیه به منجنیق که در قدیم برای پرتاب سنگ از آن استفاده میکردند (فرهنگ معین ذیل واژه). «خوب این خاتون با پایتخت فرهنگی و اهل آنجا چه عداوت دارد» (همان: ۳۵۷)، «تو همیشه همه چیز را سهل میپنداری» (همان: ۳۳۰)، «پس از لمحه‌ای سکوت، میرزا محسن وزیر اظهار رأی مینماید» (همان: ۴۱۴)، «در مخالفت کواکب عقل کاسر از تدبیر علاج قاصر است» (همان: ۴۱۶) «جمله عساکر منصوره از وحشت دشمنی همسایه سالم ماند» (همان: ۴۱۶)، اجامر، خدام، (همان: ۴۲۴)، مفتنین (همان: ۴۵۴).

واژه‌های روسی: آخوندزاده تا پایان عمر در دستگاه حکومتی روس خدمت کرد و زبان روسی را کاملاً مسلط بود. همانگونه که گفته شد، اثرش را با تأثیر از ادبیات روسی نوشت. از واژه‌های روسی، واژه «زاکون» به معنی قانون، «ناتور» به معنی فرماندار و «نچالنک» به معنی رئیس در ارتش را در نمایشنامه‌ها استفاده کرده است. مانند موارد زیر:

«تا کی با زاکون مخالفت خواهید کرد... اقلأ اینقدرها دستگیرتان بشود که دولت روس شما را از لزگیها و قباچقاها محافظت میکند» (همان: ۱۲۹)، «من از خود دیوان بیکی و غوبور ناتور و نچالنک هم نمیتروسم» (همان: ۱۵۰)، «کدام دهن‌لق حرف مفت زن مرا به نچالنک نشان داده است» (همان: ۱۶۴)، «فردا به نچالنک نشان بدیم استنطاق بشوند، والا ما سر در نمیبریم» (همان: ۲۲۵). «آیا تا این مطلب را به بالا اظهار بکنیم، موافق زاکون میتوان اینها را به ضامن داد؟» (همان: ۲۴۱)

دشوآژه: کاربرد دشوآژه، گرایش به زبان گفتاری و نشانی از زبان عامیانه در متن است که نویسنده متعدد از آن استفاده کرده است. این واژه از نظر سبکی راه را برای ورود زبان عامیانه به نثر باز کرده و بنیاد نثر فصیح فارسی دور گشته است.

«آن مهتر قورمساق را صدا کن ببینم» (همان: ص ۴۳)، «من که هستم؟ قورمساق نمیبینی من راهزنم؟» (همان: ۱۲۳). «به چه جرئت به اطاق من پا میگذاری پدرسوخته»، «تو عقلت کجا بود حرامزاده حیدر» (همان: ۴۴). «تفست بگیرد پدرسگ» (همان: ۴۵). «سلیطه دیگر میخواهی چه بکنی» (همان: ۵۷)، «آخ پدرسگ صاحب هی چه دندان غریچه است به من میکنی» (همان: ۱۲۶). «قاصد پدرسوخته سفیه، اینها را ناحق قاچاقچی دانسته» (۲۵۷)، «نفس آن حرامزاده بی‌دین به شما خورده است» (همان: ۲۹۸). «گمشو، لکاته دست نمیکشد» (همان: ۳۲۰). «پدرسوخته، مرا از آفت کواکب میتروسانی» (همان: ۴۲۰)، «بزن گردن این سگ ملعون را» (همانجا)، «ملعون فی‌الغور برای دفع حادثه علاج پیدا کن (همان: ۴۲۱). «پدرسوخته یوسف سراج به کلی سزاوار قتل مستحق بالای آسمانی است» (همان: ۴۲۵).

سطح نحوی

در سطح نحوی نکات زیر در کتاب برجسته است:

توجه به دستور زبان ترکی: دستور زبان ترکی در این اثر مشهود است، بویژه در ترجمه، نمونه‌های متعدد در متن قابل بیان است که طبق دستور زبان ترکی آمده و با ساختار دستور فارسی متفاوت است. در زبان ترکی، همانند زبان انگلیسی، افعال اول جمله می‌آیند، در این اثر، جملاتی که به اصطلاح ترجمه تحت‌اللفظی شده، بسیار است. برای نمونه جمله «می‌رود کنج خانه مشغول نگاه کردن یراقهای خود میشود» (همان: ص ۱۰۳) دقیقاً ترجمه لفظی است. فعل «می‌رود» را اول جمله آورده است، برای واژه «یراق» متمم «به» باید می‌آورد (مشغول نگاه کردن به یراق...) که نیاورده است یا جمله «به خدا که خوب فکر کرده‌ای به جهت مثل تو، جوانی دست و پا باید کرد» (همان: ۱۰۰) که طبق دستور زبان ترکی است. با توجه به اینکه مترجم و نویسندگان به نزدیکی به زبان گفتار تأکید دارند، پیروی از دستور زبان ترکی، سستی و لغزش را در زبان آن ایجاد کرده که از نثر فصیح دور گشته است. موارد زیر نیز برای نمونه انتخاب شده است:

«پس برو اطاق مادرم، این حرفها را با او گفت و شنید بکن، اینها کار من که نیست. وزیر: برو مادرت را هم صدا کن بیاید اینجا در اینجا گفت و شنید نماییم» (همان: ۷۸)، «الحمدالله آخر میسر شد که در زیر این درخت بلوط ترا ببینم» (۹۱)، «از برای من چه تفاوت میکند؟» (همان: ۱۶۵)، «خانم این است عزیز بیک خودش می‌آید» (همان: ۲۵۳-۲۵۴)، «مگر چه واقع شده است که همچو کج خلق و غضبناک شده‌ای؟» (همان: ۲۵۴)، «از کجا که خوب است، عمه، من کی به تو اذن دادم مرا به آقا حسن شوهر بکنی؟» (همان: ۲۵۶)، «من از رؤیت آقا حسن بدم می‌آید» (همان: ۲۵۷)، «البته در این صورت خوشگل یا بدگل چه تفاوت دارد؟» (همان: ۲۷۹).

حذف فعل بدون قرینه: در داستان «یوسف شاه» حذف بدون قرینه فعل و کاربرد فعل وصفی بسیار است که گویا بدلیل توجه به زبان گفتار این سستی در زبان بوجود آمده است. بهار به این مورد اشاره کرده و آن را سستی زبان دوره قبل مشروطه معرفی کرده است که بعد از مرگ قائم رخ داد. «مراسلات و فرامین درباری یکباره سست و کم‌مایه و مغلوط میشود و حذف افعال پیاپی و استعمال افعال به صیغه وصفی حذف و روابط خبری و سایر رکاکتهای لفظی رواج میگیرد» (سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، بهار، ج ۳: ص ۳۷۱).

موارد زیر از یوسف شاه انتخاب شده است:

«خواجه بیرون رفته، فراش فرستاده، اشخاص مفصله را حاضر نموده، بعد از اذن ورود، تعظیم و سجود به عمل آورده، مترصد فرمان می‌ایستند» (یوسف شاه، آخوندزاده: ص ۱۳۵۶). «ناچار توپخانه را در سرحد گذارده پیاده و سواره قشون را بی توپ و توپخانه برداشته به انواع زحمت و مرارت وارد تبریز شدند» (تمثیلات، آخوندزاده: ص ۴۱۵)، «از کربلا مراجعت کرده، وارد همدان شده در آنجا نزد استاد خلیل در سن چهل سالگی در مدت یکسال صنعت سراجی آموخته به قزوین مراجعت کرد» (همان: ص ۴۲۶).

سطح ادبی

در سطح ادبی، کاربرد تشبیه، کنایه، و ضرب‌المثل بسامد سبکی دارد.

تشبیه: «تو از خسیسی مثل تاجرهای اصفهانی پنی را توی شیشه کرده، نانوش را پشت شیشه میکشد» (همان: ۳۹). «تو چشمت را روی هم گذاشته‌ای مثل کبک سرت را زیر برف کرده‌ای خوب و بد خودت را نمیفهمی» (همان: ص ۴۰). «اوقاتم مثل سگ تلخ است» (همان: ۵۴). «این زن شما مثل طوطی ول گفتن، ور زدن، دروغ گفتن را عادت دارد» (همان: ۵۷). «کم مانده است دیوانه بشوم. مثل مجنون سر به کوه و بیابان نهم مانند سمندر آتش بگیرم بسوزم» (همان: ۹۷). «والا الان همه را مثل برگ درخت میریزم» (همان: ۲۰۷). «من مثل میخ آهن

بررسی بنیادهای اولیه نثر معاصر فارسی بر پایه سبک‌شناسی (مورد مطالعه: تمثیلات فتحعلی آخوندزاده) / ۱۱۱

روی بار کوبیده شده‌ام» (همان: ۲۱۴). «همه را دواندم مثل مور و ملخ پاشیدند رفتند» (همان: ۲۲۸)، «دل من از غصه مثل ماهی در میان تابه بریان میشود» (همان: ۴۱۸)، «شاه مثل شیر غضبناک دوزانو نشسته رو میکند به منجم‌باشی» (همان: ۴۲۰).

کنایه: «زلیخا برو به بچه‌ها بگو دیگر زحمت نکشد، تاروردی زه زد» (۱۱۴) زه زدن کنایه از ترسیدن و کنار کشیدن، «چکاره است خواسته باشد پا توی کفش من بکند» (همان: ۲۵۵) پاتوی کفش کسی کردن کنایه از دخالت کردن و مزاحم شدن، «حاتم خان مرد دهن‌بینی است» (همان: ۳۴۳) دهن‌بین کنایه از آنکه به گفته این و آن عمل کند.

ضرب‌المثل: «من تقصیری جز این ندارم که چاهکن همیشه ته چاه است من برای دیگری چاه کندم خودم به چاه افتادم» (همان: ۱۴۸)، «من و آقا حسن محال است. آیمان یک جوب برود، بالمره از این خیالها بیفت» (همان: ۲۵۷). «صد تا کلاغ را یک سنگ بس است» (همان: ۲۶۵-۲۶۶). «هرکه دلش ماهی بخوهد، خودش را به آب سرد میزند» (همان: ۲۸۵).

مجاز: «من از زبان خودم کاغذ میدهم، بعد از حیدربیک را هرگز نگذارم پی کار بد برود» (همان: ۲۴۱). «پریروز به قربان بیک زردابی کاغذ مینوشت از چنگیان شماخی وعده گرفته برای عروسی روانه کند» (همان: ۳۲۲). کاغذ مجاز از نامه.

تلمیح: «درخصوص این قبیل کارها ذهن دقیق چاکر ید بیضا مینماید» (همان: ۴۱۷).

سطح فکری

آخوندزاده پیش از آنکه نمایشنامه‌نویس و رمان‌نویس باشد، آزادیخواه و منتقد سرسخت جامعه خودش است که به ساختار دینی، اجتماعی و مهمتر از همه ساختار سیاسی انتقاد کرده است. این روحیه انتقادگری در تمامی آثار او دیده میشود. روحیه انتقادگری او در مشروطه‌خواهی دنبال شد و تا جایی پیش رفت که وی و همفکرانش از جمله میرزا ملکم‌خان که تقلیدگر اوست (پیدایش رمان فارسی، بالایی: ص ۲۸)، از مخالفان ادبیات کلاسیک شدند و با بی‌انصافی به پایه‌های بزرگ ادبیات انتقاد کردند، حال آنکه بررسی سبک‌شناسی این اثر او در همین مقاله نشان میدهد در برابر ارزش زبانی، ادبی و محتوایی بزرگان ادب فارسی بسیار کم‌توان است. اما نکته‌ای در انتقادهای آخوندزاده بود که در زمانه خودش پذیرفته شد و در ادامه دیده میشود که پایه‌های ادبیات معاصر بر آن گذاشته شد. انتقادهای وی اگرچه بی‌رحمانه بود اما با هدف اصلاح جامعه گفته میشد. از همین رو روحیه انتقادی را به شعر و نثر وارد کرد و کم‌کم روحیه انتقادی جای خود را به روحیه تعلیمی و عرفانی ادب کلاسیک داد و مردم را در بطن ادبیات، با قانون، آزادی، تساوی مرد و زن و غیره آشنا کرد. در گذشته اغلب انتقادهای مسائل اجتماعی-سیاسی در قالب ادب عرفانی و تعلیمی گفته میشد، و در این دوره، آشکار و صریح انتقادهای مطرح شد. گرچه انتقادهای با اندیشه‌های مختلف صورت گرفت، هدف تمامی آنها اصلاح امور جامعه بود. مهمترین سطح فکری اثرش، مضامین اجتماعی-سیاسی است. در انتخاب شخصیتها، انتخابهای نمادین دیده میشود که بزبانی با سبک زبانی و ادبی مرتبط ساخته است مثل انتخاب نام «حاجی قره» در نمایشنامه «مرد خسیس» که ویژگیهایی چون دروغگویی، خساست، رباخواری، بهتان، و خشونت دارد با اینکه حاجی در فرهنگ اسلامی نماینده افراد متدین به اصطلاح روسفید است ولی با آوردن واژه «قره» ترکی به معنی «سیاه» این تناقض رفتاری شخصیتی را در این مرد قرار داده است. در داستان «ملا ابراهیم کیمیاگر» برای شخصیت فریبکار داستان، لقب «ملا» آورده است. او با

فریب مردم مبنی بر اینکه اکسیر میدانند، پولهای مردم را میگیرند اما «حاجی نوری» شخصیت مثبت نمایش است که فریب ملا را میداند و سعی دارد آن را به مردم بفهماند. برای او لقب «نوری» که مفهوم مثبت دارد، آورده است. لقب «خان» را برای شخصیت منفی در نمایشنامه «وزیر خان لنکران» آورده است، شخصیت‌های محبوب و مردم متوسط با لفظ «بیک» واژه ترکی به معنی بزرگ نامیده است. محتوای نمایشنامه‌ها تصویری از معایب و کاستیهای اجتماعی آن دوره سرزمین آذربایجان و حضور روس و فرانسه در کشور است. قصه یوسف‌شاه، انتقاد وی از طبقه حاکمیت و مردم نادان است که در قالب یک حکایت تاریخی شکل گرفته است. شاید بی‌دلیل نباشد این داستان را انگیزه و الگوی نویسندگان رمانهای تاریخی مشروطه بنامیم. استفاده از تاریخ گذشته، و شخصیت‌های نمادین، در محتوای انتقادی تأثیرگذار بود و از منظر سیاست وقت نیز تندوتیز نبود.

در دوره مشروطه میبینیم نویسندگان به رمان تاریخی روی آوردند. در واقع هدف نگارش رمان تاریخی نبود، بلکه در ورای آن انتقادات اجتماعی موردنظر بود، چنانکه خود آخوندزاده در جواب سؤالی که از او در مورد رمان پرسیده شد که چرا حکایت تاریخی یوسف شاه را تغییر داده است، گفت «من مگر تاریخ نوشته‌ام که هر چه به وقوع آمده است تنها آنها را به قلم آورم؟ من مطلب جزوی را دست‌آویز کرده، از خیال خود به آن بسط دادم و سبک مغزی وزرا و ارکان دولت آن زمان را فاش کرده‌ام که به آیندگان عبرت شود» (اندیشه‌های آخوندزاده، آدمیت: ص ۶۰). او در نمایشنامه‌ها پایان خوشی آورده است؛ گویی آرزوی قلبی آخوندزاده برای اصلاح جامعه است که نمایشها را به نفع مردم عادی و طبقه متوسط تمام کرده است. اما در داستان یوسف‌شاه پایان تلخ داستان، نشان از استبداد گسترده، ظلم و استبداد شاه، نادانی و چاپلوسی وزرا، رجال، و روحانیان در جامعه است.

مضمون و موضوع اصلی نمایشنامه‌ها در موارد زیر است:

وزیرخان لنکران: ظلم خانان، انتقاد از جامعه حاکمیت

ملا ابراهیم خلیل کیمیگر: جهل توده مردم از عوام‌فریبان

خرس دزدافکن: زنان و حق انتخاب همسر

وکلاهی مرافعه: اهمیت قانون در جامعه

مسبو ژوردان: تقابل جامعه خرافاتی با جامعه عقلی

مرد خسیس: خساست و دروغ، زندگی مشقت‌بار روستاییان

در ارتباط با تأثیرگذاری آخوندزاده بر شعر و نثر دوره مشروطه، موضوعهای قانون، آزادی، زن، استبداد، و انتقاد از مردم که از مؤلفه‌های اصلی ادبیات مشروطه است و بویژه در شعر تکرار شده است، در این اثر دیده میشود.

قانون

آخوندزاده در انتقادهایش بصورت غیرمستقیم در فکر پی‌ریزی قانون در جامعه است، زیرا معتقد است بدین وسیله جامعه اصلاح خواهد شد. مصلح اجتماعی و پنددهنده در نمایشها، مردان قانون هستند. در نمایشنامه «خرس دزدافکن» دیوان‌بیک مرد قانون است که سرانجام میان بایرام و تاروردی قضاوت میکند و قصه به نفع مردم متوسط که بایرام نماینده آن است، تمام میشود. در نمایش «وکلاهی مرافعه» اهمیت قانون را برجسته کرده است. حاکم شرع و شاهزاده شریف در جایگاه قانون قرار گرفته‌اند و سرانجام حق به حق‌دار میرسد. در نمایش «مرد خسیس» نچالک حیدربیک را که دزدی کردن را دوست دارد منع میکند، مرد خسیس را میبخشد و همه را به قانونمداری توصیه میکند. جالب است که به پیروی از ادب روس، از واژه قانون استفاده نکرده و به جای آن «زاکون» بکار برده

است. آخوندزاده در این نمایشها با طنز و اشاره به استعمار روس توجه کرده و با طنز این استعمار را نشان داده است (اندیشه‌های آخوندزاده، آدمیت: ص ۴۸) و ناچار قانون را در چهره نچالنگ آورده است. همچنین به اندیشه فرمانسوری او ارتباط داده شده است (واکاوای اندیشه‌های ماسونی آخوندزاده، صائب: ص ۱۲۵) اما فارغ از این تفکرات، وجود قانون و اهمیت آن در نمایشها، گونه‌ای از توجه به این مؤلفه در جامعه است که در نوع خود تازه و دستاویز مضامین ادب مشروطه شده است.

زن

آخوندزاده یکی از منتقدان وضعیت زنان در ایران بود، «شاید آخوندزاده را بتوان اولین کسی دانست که به وضعیت زنان انتقاد کرد» (تحول جایگاه زن در نثر پیش از مشروطه، ص ۵۰). بعد از او در دوره مشروطه، شاعران و نویسندگان وضعیت زنان را موضوع اصلی آثار خود قرار دادند و با انتقادهای، خواستار اصلاح وضع زنان در جامعه شدند. آخوندزاده در نمایشنامه‌ها، در چندین مورد زنان را جزو شخصیت‌های اصلی آورده است که ویژگی‌های زن کلاسیک را ندارند. او انتقادهای صریح ندارد، اما حضور اجتماعی زن را نشان داده است که اندیشه اصلاحی او در مورد این قشر است.

در نمایش خرس قولدور باسان، وزیرخان لنکران، وکلای مرافعه، و مرد خسیس، زنان در جایگاه اجتماعی قرار گرفتند و در ضمن آن توجه آخوندزاده به جامعه مردسالار، مشکلات زنان، حضور آزادانه زنان و تساوی حقوق آنها با مردان است. مهمترین انتقاد او، حق زنان در انتخاب همسر است. تحمیل ازدواج اجباری در نمایش «وزیرخان لنکران» و «خرس قولدور باسان» آمده است و در هر دو دختران با کسی که دوست دارند ازدواج میکنند. در نمایشنامه «مرد خسیس»، صوناخانم نامزد حیدربیک زنی نترس است که خود به نامزدش پیشنهاد فرار میدهد و بعد از ازدواج نیز در کنار همسرش، زنی جسور میماند که سرانجام نیز بخاطر او حیدربیک بخشیده میشود. در نمایشنامه «وکلای مرافعه» سکینه خانم نماینده حضور زنان در جامعه است که به مقابله با سنت فرهنگی دیرینه رفته است. او بتنهایی میخواهد حقوق خود را در جامعه بگیرد. به خواستگار تحمیلی خود جواب منفی میدهد و نامزدش را خودش انتخاب میکند. برای احقاق حق خود وکیل میگیرد، شکایت میکند و سرانجام به حقیقش میرسد. این نگاه تازه به جایگاه زنان را در دوره مشروطه مبینیم که بعنوان یک مؤلفه اصلی مضمونی رشد کرد و به مسئله سوادآموزی زنان، حجاب زنان، تساوی آنان با مردان و غیره ارتباط یافت.

انتقاد از مردم

یک اندیشه اصلی در دوره مشروطه، توجه ادیبان به جایگاه مردم در جامعه است که اغلب از جهل و نادانی آنها انتقاد میکنند. آخوندزاده در این اثر انتقاد تند به مردم ندارد، اما از جهل و خرافات انتقاد کرده است. بعد از او همین انتقاد در شعر مشروطه فراوانی یافت. علاقه به دزدی نمونه انتقاد آخوندزاده از جامعه‌ای است که مردم را به بدیها کشانده است. در نمایشنامه «مرد خسیس» حیدربیک بدنبال دزدی است و کار زراعت و باغبانی را عار میدانند. دزدی کردن کار اجدادی اوست.

در نمایشنامه «وکلای مرافعه» عمه سکینه در نکوهش او بر ازدواج میگوید: «از بی آبرویی شماهاست که طاعون و وبا از ولایت کم نمیشود. سکینه خانم: خیر وبا و طاعون از نادرستی مردان حرامزاده است» (همان: ۲۵۹). در نمایشنامه «مسیو ژوردان» خرافات کاملاً بارز است. شهربانو خانم میخواهد با جادو مانع رفتن شهباز بیک به پاریس بشود و از فالگیری به نام «مستعلی شاه» میخواهد، با جادو پاریس را ویران کند. «مستعلی شاه: میفرمایید

بدهم پاریس را کن فیکون و زیرو رو نمایند؟ شهربانو خانم: دیگر چه کنیم؟ خدا باعث را بلا بدهد تر و خشک با هم میسوزند. بیچاره پاریسیها، کاری به ما نکرده بودند. وبالش به گردن دختران و عروسان آنجا باشد که در مجالس همیشه با پسران و مردان در یکجا روباز نشسته به صحبت و اختلاط مشغول گشته، مردم را گمراه نموده از راه درمیبرند» (همان: ص ۳۵۹-۳۶۰).

در رمان «یوسف شاه» انتقاد از جهل مردمی دارد که با نادانی خود، باعث شده‌اند حاکمان مستبد همچنان بر آنها حکومت کنند، این موضوع در ادامه توضیح داده میشود.

آزادی و مقابله با استبداد

آخوندزاده با تمایلات آزادیخواهی در جامعه تبدیل به منتقد شد. در نمایشنامه‌ها استبداد شخصیتها دیده میشود اما در رمان «یوسف شاه» مضمون اصلی است. آخوندزاده در این رمان، ابتدا بدنبال انتقاد از جامعه حاکمیت است که با دینداری ریاکارانه، ظلم آشکار و پنهان میکنند و در وهله بعد، منتقد سرسخت جهل مردم است. مردم با رفتار حاکمان ستمگر خو گرفته‌اند و از آزادی و عدالت خوششان نمی‌آید. اینکه در جامعه استبداد حاکم است و آزادی نیست، یک دلیل وجود این مردم نادان است. یوسف‌شاه در نماد فردی عادل، مهربان، آزادیخواه و معترض استبداد و ریای دینی حاکمان است. این فرد از نظر دستگاه حکومتی مستحق مرگ است.

او را چنین معرفی میکنند: «در این شهر قزوین یک نفر نابکار پیدا شده است که در جمیع روی زمین مجرمتر از او و مستحقتر به قتل کسی بهم نمیرسد، اسمش را یوسف سراج میگویند» (تمثیلات، آخوندزاده، ص ۴۲۳-۴۲۴) جرم او این است: «همیشه به ضرب و ذم علمای کرام و خدام شریعت، زبان گشوده است. این ملعون همیشه مریدان خود را صراحتاً ذکر میکند که گویا علمای کرام به مردمان عوام، فریب میدهند» (همان: ۴۲۴).

یوسف وقتی به سلطنت میرسد تغییرات کلی در دستگاه دولت میدهد. وزرای نادان و متملق را از کار برکنار میکند و بجای آنان مردان کارآمد و خردمند میگرداند. پس از آن شغل و وظیفه منجم‌باشی را بکلی لغو میکند و جزاها و سیاستهای وحشیانه، مانند طناب انداختن، شقه کردن، گوش و بینی بریدن و چشم کردن را از میان برمیدارد و فرمان میدهد که کسی را نباید و نمیتوان بدون محاکمه و رسیدگی مجازات کرد. در تمام کشور محاکم عدالت برپا میکند و به حکام و فرمانروایان ولایات دستور میدهد که با مردم خوش‌رفتاری کنند. «به تمامی ولایت و حکام، اعلام نامه و حکم مؤکد بفرستند که بعد از این هرگز بدون تجویز شرع شریف، مسلمانی را به مورد مؤاخذه نیاورند، محض هوای نفس کسی را جریمه نکنند. از حکم به قتل و گوش و دماغ کردن و چشم کردن، احتراز نمایند و علاوه بر احکام اعلام، جاسوسان معتمد معین کردند، بروند از احوالات ولایات و حوائج خلق خبردار شده به عرض برسانند. یوسف شاه جاسوسان را به حضور خواسته، گفت که از جانب من به حکام ولایات اعلام میکنید از خدا بترسند، به کارهای ناحق فتوا ندهند و نکنند. خلق را نچاپند، مالشان به یغما نبرند، رشوت نگیرند. یقین بدانند که این نوع حرکت عاقبت باعث بدبختی و هلاکت آنها خواهد شد» (همان: ۴۴۱-۴۴۲).

برای بهبود وضع مردم ایران، که در زیر بار مالیاتهای سنگین جان میکنند، قوانین مالیاتی جدید وضع میکند، از میزان مالیاتها میکاهد و مأخذ مالیات را بر شهرنشینان، ده درصد و بر مردم روستایی پنج درصد قرار میدهد. خدمتانه، سرانه، پای‌انداز، عوارض دیگر، خمس، زکات، مال امام و مانند آنها را لغو میکند و امور مالیاتی را به دست کسان مورداعتماد میسپارد. راهها و پلها را تعمیر میکند، کاروانسراها، مکتبخانه و بیمارستانها میسازد.

«فرمود مبلغ باج خراج را تا به مقدار معتدله تخفیف بدهند و امر کرد در همه جا راهها را تعمیر کنند و در منازل و مکانهای لازمه پلها و کاروانسراها بسازند. و در هر ولایت شفاخانه‌ها بنا کنند و مدرسه‌ها باز نمایند و جاهای بی‌آب، آب در بیاورند، زنان بیوه، ایتام، شل و کورها را اعانت و حمایت لازم دانند» (همان: ۴۲۳).

در دوره شاهی او امنیت و عدالت برقرار میشود: «یک هفته از جلوس شاه گذشت، هر روز از حسنات اعمال و عدالت اطوار او انواع و اقسام علامت خیریه به مردم ظاهر میشد. برای ایران ایام فیروزی و انبساط و اوان سعادت و اقبال رو داد» (همان: ۴۴۷).

ولی مردم که عادت به شکنجه و خشونت داشتند، اقدامات شاه را به سستی رأی و ضعف نفس او حمل میکنند (همان: ۴۴۷). تا جایی که شورش در قزوین می‌افتد. مردم از عدالت و رحیم‌دلی شاه رنجور میشوند و همین مسئله باعث میشود افرادی که توسط او معزول شده بودند، از همین فرصت استفاده کرده و شورش کنند. به دربار حمله میکنند، میان دو گروه درگیری مسلحانه روی میدهد، یوسف شاه فرار میکند و دیگر کسی از او خبردار نمیشود. شورشیان به خیابان میروند، همه جا را خراب میکنند، به محله ارمنیها و یهودیها میروند و همه را تاراج میکنند: «انواع شرارت و حرکت بی اندازه به عمل آوردند. آفتاب غروب کرد. هر کسی به خانه و منزل خود مراجعت نمود. شورش و غوغا ساکت شد» (همان: ۴۵۲).

بعد از فرار یوسف شاه که سرنوشت او نامعلوم شد، بار دیگر عباس شاه به قدرت برمیگردد. در پایان آخوندزاده گفته است:

«تعجب دارم از حماقت این کواکب که فریب اهل ایران را خوردند و ندانستند که یوسف سراج، شاه ایران نبود. ایرانی او را پادشاه مصنوعی نموده، حيله کرده بودند. همچو سادگی و گول خوردن خیلی عجب بود. کواکب به اهل ایران تائبه شدند و شاه عباس را کنار گذاردند و یوسف سراج بیچاره بی تقصیر را بدبخت کردند و بعد هم چهل سال سراسر به سفاکی و جباری او بی‌اعتنا ناظر شدند. ادنی علامت جباری شاه عباس این بود که یک پسر خود را بکشت و دو نفر دیگرش را کور کرد. پسر دیگر هم نداشت، نوۀ او وارث او گشت» (همان: ۴۵۴).

نتیجه‌گیری

آخوندزاده جزو ادیبانی است که قبل از آغاز مشروطیت، ادبیات ایران را در مسیر نوین قرار دادند. بنیاد تحولات اساسی دوره مشروطه را که بعد از انقلاب ادامه یافت و به نثر معاصر رسید، باید در آثار او و دیگر ادبای زمانه‌اش جستجو کرد. روحیه انتقادی آخوندزاده چنان است که در برابر آزادی و زندگی مدرنیته، الفبای فارسی، هویت ملی و دینی را کنار مینهد و میخواهد یک مرتبه جامعه‌ای ساخته شود که کاملاً مطابق با غرب باشد. هیجانات انتقادی او در زمانی شکل گرفته است که او با ادبیات جهان و به عبارتی با دنیای دیگر آشنا شده است و در تبوتاب تحول، انتقادهای بی‌رحمانه و دور از انصاف میکند و ادبیات غنی گذشته را در برابر غربیها کنار مینهد. بی شک اگر آخوندزاده در زمانۀ کنونی زندگی میکرد، یک‌تنه به گذشته فرهنگی و دینی حمله نمیکرد و در انتقادهایش منطق حاکم میشد. اندیشه‌های او محصول تفکر زمانه‌اش بود، در آغاز راه چنین لغزشها در افکار و دیگر ادبا دیده میشود. اما با یکسو نهادن انتقادهایش، نگاه اصلاحی به جامعه، سیاست، اجتماع و مردم در افکار او ارزنده است. وی اگرچه با ماهیت ضددینی، و اندیشه فرماسون شناخته شده است اما حضور او در عرصۀ ادبیات در تحولات ادبیات مشروطه جایگاه حساسی دارد. با مطالعه‌ای که در کتاب تمثیلات او بلحاظ سبک‌شناسی انجام شد، قلم و بیان او بنای سبک ادب کلاسیک را تکان داده، زبان و مفهوم تازه را وارد ادبیات کرده است و او را پیشرو نمایشنامه‌نویسی و رمان

فارسی کرده است. از نظر زبانی، واژه‌های ترکی آذری، روسی و عربی بسامد سبکی دارد. در سطح نحوی، لغزش زبانی او در حذف‌های بی‌قرینه دیده می‌شود که نثر را از صلابت نثر کهن جدا کرده و در عین حال زبان گفتاری ایجاد نموده است. در سطح ویژگی‌های ادبی آرایه‌های تشبیه، کنایه و ضرب‌المثل را بسیار استفاده کرده است. در سطح فکری، مؤلفه‌های انتقادات اجتماعی سیاسی، قانون، آزادی و زن، محور اندیشه‌های اوست که همین افکار در دوره مشروطه جزو مضامین اصلی شعر و نثر شده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر استخراج شده است. سرکار خانم دکتر نرگس اصغری راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم ربابه شیخ الاسلامی ورگهان به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر رضا آقایی زاهد با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

بر خود واجب میدانیم از تمام استادان گروه زبان و ادبیات فارسی و عوامل کتابخانه دانشگاه آزاد واحد اهر که به هر نحوی در به ثمر نشستن این مقوله یاریگر بودند و شایستگی مبحث را تا این مرحله موجب شدند؛ نهایت سپاسگزاری را داشته باشیم.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Adamit, Fereydoun. (۱۹۷۰). *Thoughts of Fath Ali Akhondzadeh*, Tehran: Kharazmi, p.۳۲, ۴۸, ۶۰.
- Akhundzadeh, Mirza Fath Ali. (۱۹۷۷). *Allegories*, Translated by Mohammad Ja'far Qarajeh Daghi, Tehran: Kharazmi.
- Arinepour, Yahya. (۱۹۷۱). *From Saba to Nima (one hundred and fifty years of Persian literature)*, Two-volume, Tehran: Pocket Books Company, p.۳۴۵.

بررسی بنیادهای اولیه نثر معاصر فارسی بر پایه سبک‌شناسی (مورد مطالعه: تمثیلات فتحعلی آخوندزاده) ۱۱۷/

- Bahar, Mohammad Taghi. (۲۰۰۳). The evolution of stylistics in Persian prose, ۳ volumes, Tehran: Amirkabir, p.۳۷۱.
- Balaei, Christoph. (۲۰۰۷). The Origin of the Persian Novel, Translated by Mahvash Ghavimi and Nasrin Khatat, Tehran: Deputy of the French Iranian Studies Association in Iran, p.۲۸.
- C. Jafar Hamidi, Maryam Ameli Rezaei. (۲۰۰۸). The evolution of the position of women in pre-constitutional prose (from the period of Fath Ali Shah to Muzaffar al-Din Shah), *History of Persian Literature*, Vol. ۳ (۵۹), pp. ۶۰-۶۷.
- Dekhoda, Ali Akbar. (۱۹۹۴). Dictionary, Tehran: University of Tehran.
- Hoqouqi, Mohammad. (۱۹۹۷). A Review of the History of Iranian Literature and Literature Today (Prose, Fiction), Tehran: Qatreh, p.۱۱.
- Hosseini Pourjafi, Ali. (۲۰۰۸). Contemporary Persian Poetry Currents, Tehran: Amirkabir, p.۱۸.
- Mo'ain, Mohammad. (۲۰۱۲). Dictionary, Tehran: Amirkabir.
- Rastegar Fasaee, Mansour. (۲۰۱۰). Types of Persian prose, Tehran: Samt, p.۲۶۶.
- Sa'eb, Khodayar. (۲۰۱۵). Analysis of Akhundzadeh Masonic Thoughts Based on the Play of Monsieur Jordan, *Persian Literature*, (۱) ۵, pp. ۱۲۱-۱۴۰.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۰۸). Prose Stylistics, Tehran: Mitra, p.۲۳۲, ۲۳۵.
- Thalasso, Adolf. (۲۰۱۲). Persian Theater of Iranian Drama, Translated by Faezeh Abdi, Tehran: Bidgol, p.۲۱.

فهرست منابع فارسی

- از صبا تا نیما (صد و پنجاه سال ادب فارسی)، آراین‌پور، یحیی. (۱۳۵۰). دوجلدی، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- اندیشه‌های فتحعلی آخوندزاده، آدمیت، فریدون (۱۳۴۹)، تهران: خوارزمی.
- انواع نثر فارسی، رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۹) تهران: سمت.
- پیدایش رمان فارسی، بالایی، کریستف (۱۳۸۶) مترجمان مهوش قویمی و نسرین خطاط، تهران: معین انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
- تحول جایگاه زن در نثر پیش از مشروطه (از دوره فتحعلی شاه تا مظفرالدین شاه)، سیدجعفر حمیدی، مریم عاملی رضایی (۱۳۸۷)، تاریخ ادبیات فارسی، ش ۳ (پیاپی ۵۹)، صص ۴۶ - ۶۰.
- تمثیلات، آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۵۶) ترجمه محمدجعفر قراجه داغی، تهران: خوارزمی.
- تئاتر پارسی نمایش ایرانی، تالاسو، آدولف (۱۳۹۱) ترجمه فائزه عبدی، تهران: بیدگل.
- جریانهای شعری معاصر فارسی، حسین پورجافی، علی (۱۳۸۷) تهران: امیرکبیر.
- سبک‌شناسی نثر، شمیسا، سیروس (۱۳۸۷) تهران: میترا.

سیر تطور سبک‌شناسی نثر فارسی، بهار، محمدتقی (۱۳۸۲) ۳ جلدی، تهران: امیرکبیر.
فرهنگ لغت، معین، محمد، (۱۳۹۱) تهران: امیرکبیر.
لغتنامه، دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳) تهران: دانشگاه تهران.
مروری بر تاریخ ادب و ادبیات امروز ایران (نثر، داستان)، حقوقی، محمد (۱۳۷۶) تهران: قطره.
واکاوای اندیشه‌های ماسونی آخوندزاده با تکیه بر نمایشنامهٔ مسیو ژوردان، صائب، خدایار (۱۳۹۴) ادب فارسی، (۱) ۵، صص ۱۲۱ - ۱۴۰.

معرفی نویسندگان

ربابه شیخ‌الاسلامی ورگهان: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
(Email: r_sheykhi@iau-ahar.ac.ir)
نرگس اصغری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
(Email: n-asghari@iau-ahar.ac.ir : نویسنده مسئول)
رضا آقایی زاهد: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
(Email: r-agayari@iau-ahar.ac.ir)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Robabeh Shaykh al-Islami Vargahan: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
(Email: r_sheykhi@iau-ahar.ac.ir)
Narges Asghari: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
(Email: n-asghari@iau-ahar.ac.ir : Responsible author)
Reza Aghayari Zahed: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
(Email: r-agayari@iau-ahar.ac.ir)